



تحول در سیاست خارجی کره جنوبی در غرب آسیا: از اقتصادمحوری به تعامل چند بُعدی (۲۰۰۰-۲۰۲۴)

رحمن حریری^۱

نیلوفر عبیدی^۲

سید شمس‌الدین صادقی^۳

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۷/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸

^۱. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول)

r.hariri@razi.ac.ir

^۲. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اجتماعی و تربیتی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. aniloofar182@gmail.com

^۳. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی و تربیتی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. sh.sadeghi1971@gmail.com

چکیده

غرب آسیا با برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیکی راهبردی، گذرگاه‌های حیاتی و سهم قابل توجه از ذخایر انرژی، نقشی تعیین‌کننده در ساختار قدرت، معادلات انرژی و معماری امنیت بین‌المللی ایفا می‌کند. برای کره جنوبی که بخش عمده نیازهای انرژی خود را از این منطقه تأمین می‌نماید، غرب آسیا واجد اهمیتی راهبردی و غیرقابل جایگزین است. اگرچه تعاملات پیشین سئول با این منطقه عمدتاً بر همکاری‌های انرژی محور متمرکز بود، اما از دهه ۲۰۰۰ به بعد به تدریج حوزه‌هایی همچون فناوری‌های نوین، توسعه زیرساخت‌ها، همکاری امنیتی-نظامی و دیپلماسی فرهنگی را نیز در بر گرفته است. سؤال اصلی پژوهش این است که سیاست خارجی کره جنوبی در غرب آسیا در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ میلادی چگونه تغییر یافته است؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از چارچوب نظری نولیبرالیسم نهادی، سازوکارهای نهادی، اقتصادی و ساختاری این تحول را واکاوی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که افزایش وابستگی متقابل اقتصادی و انرژی، توسعه ترتیبات نهادی در حوزه‌های انرژی، فناوری و زیرساخت، تقویت قواعد همکاری و نقش فزاینده شرکت‌های بزرگ کره‌ای در قالب شبکه‌های همکاری چندسطحی، مهم‌ترین عوامل انتقال سیاست خارجی سئول از الگوی اقتصادمحور به الگوی تعامل چندبعدی و نهادبنیاد بوده‌اند. در پی این تحول، روابط کره جنوبی با غرب آسیا از انسجام نهادی بیشتری برخوردار شده و جایگاه این منطقه در راهبرد کلان سیاست خارجی سئول ارتقا یافته است.

• واژگان کلیدی

کره جنوبی، غرب آسیا، نولیبرالیسم نهادی، وابستگی متقابل، تعامل چندبعدی.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، سیاست خارجی کره جنوبی دگرگونی‌های ماهوی و بنیادینی را تجربه کرده است؛ تحولاتی که این کشور را به یک قدرت میان‌رده فعال و تأثیرگذار در نظام بین‌الملل تبدیل کرده است. این تغییر رویکرد موجب شده است سؤال فراتر از حوزه‌های جغرافیایی خود در شرق آسیا و اقیانوسیه، در پی توسعه روابط اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی با دیگر مناطق راهبردی جهان باشد. یکی از مهم‌ترین این مناطق، غرب آسیا است؛ منطقه‌ای که با وجود فاصله جغرافیایی قابل توجه، به دلیل برخورداری از منابع انرژی، موقعیت ژئوپلیتیکی حساس، بازارهای در حال گسترش و حضور بازیگران بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، جایگاهی محوری در سیاست خارجی کره جنوبی به دست آورده است. نیاز ساختاری کره جنوبی به واردات پایدار انرژی، نخستین محرک توجه این کشور به این منطقه بوده است.

اما در سال‌های اخیر، روابط سؤال با کشورهای منطقه از الگوی سنتی مبتنی بر انرژی فراتر رفته و ابعاد جدیدی مانند همکاری‌های امنیتی_نظامی، تعاملات فناورانه، دیپلماسی فرهنگی و مشارکت در پروژه‌های توسعه‌ای کلان را دربر گرفته است. افزون بر این، رقابت ژئواکونومیک با قدرت‌های آسیایی چین و ژاپن، الزامات ناشی از اتحاد راهبردی با ایالات متحده و تلاش برای متنوع‌سازی شرکای خارجی، موجب شده است کره جنوبی از «دیپلماسی متوازن» برای حفظ هم‌زمان منافع اقتصادی و امنیتی خود در غرب آسیا بهره گیرد. با وجود افزایش اهمیت روابط کره و کشورهای منطقه، ادبیات علمی موجود عمدتاً بر تحلیل ابعاد اقتصادی و انرژی متمرکز بوده و کمتر به تبیین منطق نهادی، سازوکارهای همکاری چندجانبه و بنیان‌های نظری این روابط پرداخته است. در حالی که تفسیر سیاست خارجی کره در این منطقه نیازمند چارچوب نظری منسجمی است که بتواند وابستگی متقابل اقتصادی، نقش نهادها، رژیم‌های بین‌المللی، قواعد همکاری و تعاملات چندسطحی میان دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ کره‌ای را تبیین کند. در این میان، نولیبرالیسم نهادی با تأکید بر سازوکارهایی چون افزایش شفافیت، کاهش عدم قطعیت، نهادینه‌سازی همکاری و جستجوی منافع مطلق، ابزار تحلیلی مناسبی برای ارزیابی سیاست خارجی کره جنوبی در غرب آسیا ارائه می‌دهد.

بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که سیاست خارجی کره جنوبی در غرب آسیا در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ میلادی چگونه تغییر یافته است؟ بر مبنای

چارچوب نظری نولیبرالیسم نهادی و با تمرکز بر سازوکارهای نهادی و الگوهای همکاری، فرضیه پژوهش این است که سیاست خارجی کره جنوبی در غرب آسیا تحت تأثیر عوامل افزایش وابستگی متقابل اقتصادی و انرژی، گسترش نقش نهادها و رژیم‌های بین‌المللی، تقویت قواعد همکاری و تعمیق تعاملات چندسطحی میان دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ کره‌ای با کشورهای منطقه از الگوی اقتصادمحور به الگوی تعامل چندبعدی تغییر یافته است. بر مبنای این چارچوب تحلیلی، پژوهش حاضر می‌کوشد ابعاد اقتصادی، امنیتی-نظامی و فرهنگی سیاست خارجی کره جنوبی در غرب آسیا را در پیوند با منطق نهادی و سازوکارهای همکاری بین‌المللی مورد بررسی قرار داده و تصویری جامع از مبانی و جهت‌گیری‌های راهبردی این کشور در یکی از مهم‌ترین مناطق ژئوپلیتیکی جهان ارائه دهد.

۱- پیشینه پژوهش

مقاله «قدرت نرم کره جنوبی و گسترش موج کره‌ای» نوشته میلاد ادیب سرشکی در سال ۱۳۹۱ به بررسی تحول قدرت نرم کره جنوبی پرداخته و تأکید می‌کند که مؤلفه‌های فرهنگی همچون سریال، موسیقی، سینما و محصولات سرگرمی نقش اساسی در افزایش محبوبیت و جذابیت این کشور در میان مخاطبان آسیایی و جهانی ایفا کرده‌اند.

مقاله «دیپلماسی انرژی کره جنوبی در خاورمیانه»^۱ نوشته چو یانگ چوا در سال ۲۰۱۹، دیپلماسی انرژی کره جنوبی را در منطقه غرب آسیا و اهمیت آن در تأمین نیازهای انرژی کشور مورد تحلیل قرار می‌دهد. کره جنوبی به‌شدت وابسته به واردات انرژی از این منطقه بوده و تلاش کرده است از طریق گسترش روابط اقتصادی و انرژی با کشورهای غرب آسیا، امنیت انرژی خود را تضمین کرده و جایگاه خود را به‌عنوان شریک تجاری معتبر ارتقا دهد.

کتاب «کره جنوبی: دیپلماسی قدرت میانه در خاورمیانه»^۲ نوشته جونگ هه‌وون در سال ۲۰۲۲ به بررسی نقش کره جنوبی به‌عنوان یک قدرت میان‌رده در دیپلماسی بین‌المللی با تمرکز بر غرب آسیا می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه این کشور در چارچوب نظام بین‌الملل از طریق روابط دیپلماتیک و اقتصادی در پی تأمین منافع ملی خود در این منطقه راهبردی است.

^۱ South Korea's Energy Diplomacy in the Middle East

^۲ South Korea; Middle Power Diplomacy in the Middle East

مقاله «صادرات دفاعی کره جنوبی به خاورمیانه»^۱ نوشته لی وویونگ که در سال ۲۰۲۰ منتشر شده است، به تحلیل روند رو به رشد صادرات دفاعی کره جنوبی به کشورهای این منطقه می‌پردازد و تبیین می‌کند که چگونه این کشور به یکی از تأمین‌کنندگان مهم تجهیزات نظامی برای منطقه تبدیل شده است. در این مقاله تأکید می‌شود که افزایش صادرات دفاعی، به تقویت بُعد نظامی_امنیتی سیاست خارجی کره جنوبی انجامیده است.

مقاله «آشفته‌گی کره جنوبی و خاورمیانه: ارزیابی مجدد روابط کره جنوبی و خاورمیانه»^۲ از آلون لووکویتز در سال ۲۰۱۲ به بررسی روابط کره جنوبی و کشورهای غرب آسیا پرداخته و نقش این کشور در تحولات منطقه را از زوایای اقتصادی، سیاسی و امنیتی تحلیل می‌کند.

مقاله «قانون موازنه: سیاست خاورمیانه‌ای کره جنوبی در بحبوحه رقابت ایالات متحده و چین»^۳ نوشته لی جه‌هونگ در سال ۲۰۱۹ به بررسی چالش‌های سیاست خارجی کره جنوبی در غرب آسیا در شرایط رقابت فزاینده میان آمریکا و چین می‌پردازد و نشان می‌دهد که سؤال می‌کشد ضمن تأمین منافع اقتصادی خود، اثرات منفی رقابت قدرت‌ها را کاهش دهد.

این پژوهش در چند بُعد واجد نوآوری و ارزش علمی است. از منظر موضوعی، بیشتر مطالعات پیشین درباره سیاست خارجی کره جنوبی در غرب آسیا بر روابط اقتصادی، به‌ویژه همکاری‌های انرژی متمرکز بوده و کمتر پژوهشی به تبیین گذار این کشور از اقتصادمحوری به تعامل چندبُعدی پرداخته است. مطالعه حاضر با رویکردی جامع، ابعاد اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی حضور کره در غرب آسیا را به‌صورت یکپارچه و در قالب چارچوب تحلیلی منسجم واکاوی می‌کند.

از جنبه جغرافیایی، تمرکز بر غرب آسیا به‌عنوان حوزه‌ای نسبتاً کمتر مطالعه‌شده در سیاست خارجی کره جنوبی از دیگر ابعاد نوآوری پژوهش است. این منطقه با وجود اهمیت ژئوپلیتیکی و اقتصادی، کمتر در مرکز توجه ادبیات مرتبط قرار داشته و پژوهش حاضر با ارائه تحلیلی روزآمد از الگوهای تعامل و منطق رفتاری سؤال، خلأ موجود در مطالعات پیشین را پوشش می‌دهد.

¹. South Korea's Defense Exports to the Middle East

². South Korea and the Middle East Disorder A Reassessment of South Korea Middle East Relations

³. The Balance Law South Korea's Middle East Policy Amid United States China Rivalry

۲- چارچوب نظری پژوهش

۲-۱- نولیبرالیسم نهادی

۲-۱-۱- تعریف و اصول بنیادین

نولیبرالیسم نهادی شاخه‌ای از نظریه‌های لیبرال در روابط بین‌الملل است که تبیین می‌کند چگونه بازیگران دولتی در نظام آنارشیک می‌توانند از طریق نهادها، رژیم‌ها و قواعد مشترک به همکاری پایدار دست یابند. این رویکرد می‌پذیرد که آنارشی واقعیتی انکارناپذیر در ساختار نظام بین‌الملل است، اما استدلال می‌کند که آنارشی لزوماً به بی‌نظمی یا منازعه منجر نمی‌شود، بلکه از طریق ایجاد نهادها و رژیم‌های بین‌المللی قابل مدیریت است (Stein, 2009; 203) (Keohane, 1984; 104).

نهادها مجموعه‌ای از قواعد و رویه‌های تصمیم‌گیری‌اند که انتظارات متقابل میان بازیگران را تنظیم کرده و عدم قطعیت را کاهش می‌دهند و حتی در غیاب یک قدرت هژمون، می‌توانند تداوم همکاری را تضمین کنند، زیرا با فراهم‌سازی اطلاعات و ایجاد شفافیت، احتمال سوءتفاهم و بی‌اعتمادی را کاهش می‌دهند. نهادها از طریق تعیین استانداردهای رفتاری و سازوکارهای نظارتی، به دولت‌ها کمک می‌کنند تعهدات خود را ارزیابی کرده و از رفتار غیرهمکارانه اجتناب نمایند (Keohane, 1984; 104).

۲-۱-۲- مولفه‌های کلیدی نولیبرالیسم نهادی

نولیبرالیسم نهادی بر سه مؤلفه اساسی استوار است که در مجموع منطق همکاری پایدار میان دولت‌ها را در نظام بین‌المللی آنارشیک تبیین می‌کنند: وابستگی متقابل پیچیده، نقش نهادها و رژیم‌ها و جستجوی منافع مطلق.

الف) وابستگی متقابل پیچیده: مفهوم وابستگی متقابل پیچیده نخستین بار توسط رابرت کوهن و جوزف نای مطرح شد. آنان استدلال کردند که در دوره پس از جنگ جهانی دوم، روابط میان دولت‌ها از قالب صرفاً نظامی فراتر رفته و به‌طور چندبعدی در حوزه‌های اقتصادی، فناوری، انرژی و زیست‌محیطی درهم تنیده شده است. نولیبرالیسم نهادی فرض می‌کند افزایش سطح وابستگی متقابل، انگیزه همکاری را تقویت می‌کند (Keohane & Nye, 1977; 12).

ب) نقش نهادها و رژیم‌ها: مؤلفه دوم به نقش نهادها و رژیم‌های بین‌المللی در تنظیم و تسهیل همکاری میان دولت‌ها اشاره دارد. نهادها مجموعه‌ای از قواعد، هنجارها و رویه‌های تصمیم‌گیری‌اند که انتظارات مشترک را شکل داده و هزینه نقض توافقات را افزایش می‌دهند (Keohane, 1984; 104_106). نهادها از طریق تبادل اطلاعات، نظارت بر اجرای تعهدات و ایجاد سازوکارهای حل‌وفصل اختلاف، سطح بی‌اعتمادی میان دولت‌ها را کاهش می‌دهند.

ج) جستجوی منافع مطلق: نولیبرال‌های نهادی فرض می‌کنند که دولت‌ها عمدتاً در پی افزایش منافع مطلق خود هستند، حتی در شرایطی که سایر بازیگران نیز منتفع شوند. این منطق توضیح می‌دهد چرا در بسیاری از رژیم‌های اقتصادی و انرژی، دولت‌ها به‌رغم رقابت سیاسی، همکاری اقتصادی و فنی را ادامه می‌دهند. نهادها با تسهیل همکاری و تضمین منافع متقابل، موجب می‌شوند همه طرف‌ها سود ببرند، حتی اگر سهم یکی بیش از دیگری باشد (Keohane, 1984; 258_259).

۲-۱-۳- مکانیزم‌ها و ابزارها

این منطق توضیح می‌دهد چرا در بسیاری از رژیم‌های اقتصادی و انرژی، دولت‌ها به‌رغم رقابت سیاسی به همکاری فنی و اقتصادی ادامه می‌دهند. نهادها با تسهیل همکاری و تضمین منافع متقابل، موجب می‌شوند همه طرف‌ها در مجموع منتفع شوند، حتی اگر یک طرف بیش از دیگران بهره برده باشد (Keohane, 1984; 259).

الف) تسهیم و اعتباردهی اطلاعات: یکی از مهم‌ترین کارکردهای نهادهای بین‌المللی، ایجاد شفافیت و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی میان اعضاست. در شرایطی که دولت‌ها شناخت کافی از نیت، ظرفیت‌ها و انگیزه‌های یکدیگر ندارند، احتمال سوءبرداشت و بی‌اعتمادی افزایش یافته و مانع توافقات دوجانبه سودمند می‌شود. نهادها با فراهم‌سازی بستر تبادل داده‌های فنی، گزارش‌های دوره‌ای و ارزیابی‌های مستقل، این عدم تقارن را کاهش می‌دهند (Keohane, 1984; 105).

ب) تکرار تعامل و حافظه تاریخی: تعامل مکرر میان بازیگران به تدریج «حافظه نهادی» ایجاد می‌کند که در آن سوابق همکاری ثبت و بازتولید می‌شود. تکرار تعامل موجب می‌شود

رفتار کنونی بازیگران بر روابط آینده اثر مستقیم داشته باشد و در نتیجه تمایل به رفتار غیرمتعهدانه کاهش یابد (Keohane, 1984; 132).

ج) قواعد و نظارت: وجود قواعد روشن و الزام‌آور از عناصر اساسی مدیریت همکاری است. نهادها با تدوین معاهدات، آیین‌نامه‌ها و رویه‌های مشترک، چارچوبی فراهم می‌کنند که در آن رفتارها قابل نظارت بوده و انحراف‌ها قابل تشخیص هستند. افزون بر این، با ایجاد سازوکارهای نظارتی، بازرسی و داوری، هزینه نقض توافق افزایش یافته و انگیزه پایبندی به تعهدات تقویت می‌شود (Stein, 2009; 214_215).

د) وابستگی اقتصادی و شبکه‌های چندسطحی: در جهان به‌هم‌پیوسته کنونی، همکاری محدود به سطح دولت‌ها نیست، بلکه بازیگران غیردولتی، شرکت‌های چندملیتی، مؤسسات مالی و سازمان‌های مردم‌نهاد در شبکه‌ای چندسطحی مشارکت دارند. این شبکه‌ها وابستگی متقابل اقتصادی را افزایش داده و هزینه جدایی یا منازعه را بالا می‌برند. نهادهای مالی بین‌المللی نیز از طریق ابزارهایی مانند بیمه، ضمانت سرمایه‌گذاری و نظام‌های داوری، ریسک همکاری اقتصادی را مدیریت کرده و استمرار آن را تقویت می‌کنند (Stein, 2009; 214) (Keohane & Nye, 1977; 12).

۲-۲- کاربست نولیبرالیسم نهادی در تبیین تحول سیاست خارجی کره جنوبی در غرب آسیا (۲۰۰۰-۲۰۲۴)

سیاست خارجی کره جنوبی در غرب آسیا را می‌توان از منظر نولیبرالیسم نهادی تفسیر کرد، زیرا ابعاد اقتصادی، فرهنگی و امنیتی آن به‌طور فزاینده‌ای با سازوکارهای نهادی، همکاری چندجانبه و قواعد بین‌المللی پیوند یافته‌اند. نولیبرالیسم نهادی با تأکید بر نقش نهادها در کاهش عدم قطعیت، افزایش شفافیت و ایجاد انگیزه‌های پایدار برای همکاری، چارچوب تحلیلی مناسبی برای فهم رفتار و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی کره جنوبی در این منطقه فراهم می‌آورد (Keohane, 1984; 104).

در این چارچوب نظری، تحول سیاست خارجی کره جنوبی در غرب آسیا را می‌توان به‌مثابه «گذار از همکاری معاملات اقتصادی محور» به «همکاری نهادینه و چندبعدی» تحلیل کرد؛ گذاری که مطابق فرضیه پژوهش، تحت تأثیر چهار سازوکار اصلی نولیبرالیسم نهادی شکل گرفته و پیشران تغییر در الگوی تعاملات کره جنوبی با کشورهای منطقه بوده است.

۱-۲-۲- افزایش وابستگی متقابل اقتصادی و انرژی

اقتصاد کره جنوبی که بر صادرات فناوری‌های پیشرفته و صنایع استوار است، به‌طور ساختاری به واردات انرژی از غرب آسیا وابسته مانده و این وابستگی، نه‌تنها کاهش نیافته، بلکه با رشد اقتصادی مداوم این کشور افزایش یافته است (Levkowitz, 2010; 1_3). پیوند خوردن امنیت انرژی با تداوم رشد اقتصادی و الگوی صادرات محور کره، هزینه هرگونه گسست یا تنش در روابط با کشورهای منطقه را به‌طور قابل توجهی افزایش داده است.

در منطق نولیبرالیسم نهادی، تعمیق وابستگی متقابل اقتصادی، انگیزه بازیگران را برای تثبیت همکاری، کاهش ریسک‌های سیاسی و حرکت به‌سوی ترتیبات پایدار و نهادمند تقویت می‌کند. بر همین اساس، روابط کره جنوبی با غرب آسیا از «خرید صرف انرژی» فراتر رفته و به قراردادهای بلندمدت، سرمایه‌گذاری‌های مشترک و حضور فعال در پروژه‌های انرژی و زیرساختی سوق یافته است. بنابراین مشارکت کره جنوبی در پروژه‌های مختلف منطقه نشان می‌دهد که نهادها و قواعد بین‌المللی می‌توانند با کاهش عدم قطعیت، ریسک‌های سیاسی و اقتصادی را مهار کرده و زمینه همکاری پایدار را فراهم سازند (Levkowitz, 2010; 5_6).

۲-۲-۲- گسترش نقش نهادها و رژیم‌های بین‌المللی

در چارچوب نولیبرالیسم نهادی، رژیم‌های بین‌المللی از طریق ایجاد قواعد مشترک و سازوکارهای نظارت و حل و فصل اختلاف، نقش اساسی در کاهش عدم قطعیت و افزایش قابلیت پیش‌بینی رفتار بازیگران ایفا می‌کنند. این سازوکارها با محدود کردن دامنه رفتارهای فرصت‌طلبانه، شفاف‌سازی انتظارات متقابل و کاهش هزینه‌های مبادله، زمینه همکاری پایدار میان دولت‌ها را فراهم می‌سازند. از این منظر، همکاری نتیجه شکل‌گیری چارچوب‌های نهادی است که تعاملات را قاعده‌مند و قابل مدیریت و تکرار می‌کنند.

در تعاملات کره جنوبی با کشورهای غرب آسیا، این منطق نهادی به‌طور مشخص در قالب موافقت‌نامه‌های رسمی، چارچوب‌های مشارکت راهبردی و سازوکارهای نهادمند همکاری در حوزه‌هایی چون انرژی، فناوری‌های پیشرفته، زیرساخت و حتی امنیت دریایی نمود یافته است. چنین ترتیباتی با ایجاد استانداردهای حقوقی و فنی مشترک، تعیین سازوکارهای نظارتی و پیش‌بینی ابزارهای حل اختلاف، روابط ساختارمند و قابل پیش‌بینی ایجاد کرده‌اند. از این منظر، حرکت سیاست خارجی کره جنوبی به‌سوی ترتیبات رسمی و نهادمند در غرب آسیا، نشانه‌ای از گذار به الگوی تعامل نهادی و چندبعدی است (Levkowitz, 2010; 4_5).

۳-۲-۲- تعمیق تعاملات چندسطحی میان دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ کره‌ای

در چارچوب نولیبرالیسم نهادی، همکاری‌ها محدود به دولت‌ها نیست؛ بازیگران غیردولتی و شبکه‌های چندسطحی نیز نقش مهمی دارند. در سیاست خارجی کره، شرکت‌های بزرگ صنعتی (چپول‌ها) مانند سامسونگ، هیوندای و ال‌جی، در تعامل با دیپلماسی دولتی به کنشگران کلیدی تبدیل شده‌اند و از طریق اجرای پروژه‌ها، انتقال فناوری و سرمایه‌گذاری، شبکه‌ای چندسطحی ساخته‌اند. این شبکه‌ها امکان توسعه تعاملات نهادمند چندبعدی در حوزه‌های فناوری، دفاعی و فرهنگی را فراهم می‌آورند (Stein, 2009; 215).

۴-۲-۲- تقویت قواعد همکاری و سازوکارهای کاهش هزینه مبادله

در چارچوب نولیبرالیسم نهادی، همکاری زمانی پایدار می‌شود که قواعد روشن، تکرار تعامل و سازوکارهای مؤثر حل اختلاف وجود داشته باشد، زیرا این عوامل زمینه اعتماد متقابل را فراهم کرده و هزینه‌های مبادله را کاهش می‌دهند. در روابط کره جنوبی با کشورهای منطقه، گسترش قراردادهای پیچیده فنی و مالی، ایجاد استانداردهای حقوقی مشترک، تأکید بر ضمانت‌های اجرایی و همچنین توسعه همکاری‌های آموزشی، فناوری و صنعتی، نشان‌دهنده تقویت چنین «قواعد همکاری» است. این قواعد امکان همکاری در حوزه‌های جدید را نیز فراهم می‌آورند (Levkowitz, 2010; 5_6).

۳- روش تحقیق

این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی به واکاوی موضوع مورد بررسی می‌پردازد. در اجرای این تحقیق، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده و داده‌ها از طریق منابع مکتوب شامل کتب، مقالات علمی، و همچنین وبگاه‌های معتبر تحلیلی و خبری گردآوری شده است.

۴- کلیاتی درباره سیاست خارجی کره جنوبی

سیاست خارجی را می‌توان مجموعه‌ای از اصول، خط‌مشی‌ها و تصمیمات تعریف نمود که در عرصه روابط بین‌الملل اتخاذ می‌شود. فرآیند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، عموماً متأثر از اولویت‌های داخلی و ملاحظات بین‌المللی است؛ اغلب، این عناصر به صورت هماهنگ عمل نموده و منجر به شکل‌گیری سیاست خارجی منسجمی می‌شوند که هم روابط یک کشور با

سایر دول را هدایت می‌کند و هم منافع ملی آن را تأمین می‌نماید (Langel, 2023). توسعه اقتصادی شگفت‌انگیز کره جنوبی، معروف به "معجزه در رودخانه هان"، از طریق رویکرد دولت توسعه‌گرای لیبرال یا "الگوی مداخله‌گرایی دولت" محقق شد (Jeong, 2022; 6). در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، سیاست خارجی کره جنوبی در بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت و میان‌مدت، بر اهداف اقتصادی تأکید داشت. از آنجا که محیط امنیتی شرق آسیا پس از فروپاشی شوروی، به عنوان متحد سنتی کره شمالی، دچار تحول شد، دولت کره جنوبی عمدتاً بر اهداف ژئواکونومیک در مقابل نگرانی‌های امنیتی تمرکز نمود (Katada.Lim.Wan, 2023; 18).

کره جنوبی نوسازی و توسعه صنعتی را از دهه ۱۹۶۰ آغاز نمود و از طریق برنامه‌ریزی اقتصادی موفق، جایگاه خود را در زمره کشورهای صنعتی تثبیت کرد. در سال ۱۹۹۳، کیم یونگ سام، رئیس‌جمهور وقت، خط‌مشی‌های توسعه صنعتی کره جنوبی را گسترش داد؛ در آن مقطع، جهت‌گیری اقتصادی این کشور بر محور صادرات استوار بود و برای دهه‌های متمادی، سیاست توسعه صادرات محصولات متنوع مصرفی و سرمایه‌های دنبال می‌شد. سیاست‌های دولت شامل حمایت قاطع از بازارهای داخلی در برابر واردات خارجی، صادرات کالاهایی نظیر منسوجات و اسباب‌بازی و در ادوار بعد، صادرات محصولات الکترونیکی، فولاد و کشتی، تأمین مالی پژوهش و توسعه و ایجاد نهادهای واسطه برای انتشار و انتقال فناوری بود (Falahatdoost.Wang, 2024; 7_18). اتحاد با ایالات متحده، طی این سال‌ها ستون اصلی سیاست دفاعی و خارجی این کشور بوده است؛ این امر بر خط‌مشی سئول در قبال منطقه نیز تأثیر نهاده، از جمله مشارکت در جنگ‌های خلیج فارس در سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ و همچنین تبعیت از تحریم‌های اقتصادی غرب علیه ایران (Levkowitz, 2013; 9).

۵- تحول سیاست خارجی کره جنوبی در غرب آسیا در چارچوب نولیبرالیسم نهادی

تحول سیاست خارجی کره جنوبی در غرب آسیا، صرفاً گسترش همکاری اقتصادی، امنیتی و فرهنگی نیست، بلکه این تحول را باید در چارچوب سازوکارهای نهادی و الگوهای همکاری پایدار تحلیل کرد. بر اساس نولیبرالیسم نهادی، تغییر الگوی رفتاری دولت‌ها زمانی معنادار است که همکاری‌ها در قالب وابستگی متقابل، نهادسازی، قواعد مشترک و شبکه‌های چند سطحی تثبیت شوند. در این چارچوب سیاست خارجی کره جنوبی در غرب آسیا طی بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ میلادی تحت تاثیر چهار سازوکار اصلی دگرگون شده است: افزایش

وابستگی متقابل اقتصادی و انرژی، گسترش نقش نهادها و رژیم‌های بین‌المللی، تقویت قواعد همکاری و کاهش هزینه‌های مبادله و تعمیق تعاملات چندسطحی میان دولت و شرکت‌های بزرگ کره‌ای.

۱-۵- بُعد اقتصادی: وابستگی متقابل و نهادینه‌سازی همکاری‌های اقتصادی-انرژی

در چارچوب نولیبرالیسم نهادی، همکاری اقتصادی زمانی معنادار می‌شود که این تعاملات در قالب ترتیبات نهادی پایدار، قواعد مشترک و سازوکارهای کاهش عدم قطعیت نهادینه شوند. از این منظر، تحول سیاست خارجی کره جنوبی در غرب آسیا نشان‌دهنده گذار به سمت همکاری‌های بلندمدت مبتنی بر منافع متقابل است.

اتکای ساختاری کره جنوبی به واردات انرژی از غرب آسیا، عامل اصلی شکل‌گیری این وابستگی متقابل اقتصادی به شمار می‌رود؛ وابستگی‌ای که هزینه‌های گسست روابط را به‌طور قابل توجهی بالا برده است. در نتیجه، سؤال برای تضمین امنیت انرژی خود، به سمت انعقاد قراردادهای بلندمدت، سرمایه‌گذاری و مشارکت در پروژه‌های زیربنایی حرکت کرده است؛ سازوکارهایی که با منطق نولیبرالیسم نهادی در خصوص کاهش بی‌اعتمادی و افزایش قابلیت پیش‌بینی روابط اقتصادی همخوانی دارند (Jeong, 2022; 10).

در این چارچوب، علاوه بر دولت، چپول‌ها^۱ به عنوان بازیگران کلیدی در شبکه‌های چندسطحی از همکاری اقتصادی و دیپلماتیک ایفای نقش می‌کنند. همپوشانی منافع دولت و بخش خصوصی، به نهادینه‌سازی همکاری‌ها و تثبیت الگوهای پایدار تعامل میان کره و کشورهای منطقه انجامیده و بُعد اقتصادی سیاست خارجی سؤال را به یکی از مصادیق برجسته همکاری نهادمند در چارچوب نولیبرالیسم نهادی تبدیل کرده است (Abdelghafar, 2023).

۱-۱-۵- امنیت انرژی به مثابه محرک وابستگی متقابل نهادی

امنیت انرژی اساسی‌ترین عامل شکل‌دهنده سیاست خارجی کره در غرب آسیا و نخستین محور تعامل با منطقه به شمار می‌رود؛ محوری که به طور مستقیم با ساختار اقتصاد ملی و تداوم رشد صنعتی آن پیوند خورده است (Jeong, 2020). این کشور که پنجمین واردکننده بزرگ نفت خام در جهان محسوب می‌شود، حدود ۷۰ درصد از نفت خود را از کشورهای غرب

^۱. CHAEBOL

آسیا تأمین می‌کند که سطح بالایی از وابستگی ساختاری به این منطقه ایجاد کرده است (Kang, 2018; 15).

در همین چارچوب، کره روابط اقتصادی مستحکمی با تولیدکنندگان انرژی برقرار کرده است. این روابط عمدتاً از طریق قراردادهای بلندمدت تأمین انرژی، سرمایه‌گذاری و مشارکت در پروژه‌های انرژی تقویت شده‌اند. هدف راهبردی این سیاست، ایجاد تضمین برای تأمین نفت و گاز طبیعی و افزایش قابلیت پیش‌بینی در روابط انرژی محور بوده است (Cho, 2019; 47).

کره جنوبی با در اختیار داشتن ششمین صنعت پالایشگاهی بزرگ جهان و مالکیت سه شرکت از پنج شرکت دارای بالاترین ظرفیت پالایش در سطح بین‌المللی، جایگاهی کلیدی در زنجیره جهانی انرژی دارد. افزون بر این، شرکت‌های کره‌ای در امتیازات نفتی خارج از مرزهای ملی نیز سهام‌دار هستند (Abdelghafar, 2023) (Jeong, 2020).

از منظر نولیبرالیسم نهادی، این مجموعه از قراردادهای سرمایه‌گذاری‌ها را می‌توان مصداق نهادینه‌سازی همکاری‌های انرژی محور دانست. این ترتیبات نهادی با کاهش عدم قطعیت، افزایش شفافیت و تثبیت قواعد همکاری، هزینه‌های گسست روابط را برای طرفین افزایش داده و زمینه تداوم تعاملات بلندمدت را فراهم می‌کنند. در نتیجه، امنیت انرژی در سیاست خارجی کره جنوبی، محرکی برای شکل‌دهی وابستگی متقابل نهادمند با کشورهای غرب آسیا بوده است (Jeong, 2020).

۲-۱-۵- صادرات فناوری انرژی و نهادینه‌سازی قواعد همکاری فنی

ستون دوم راهبرد اقتصادی کره در غرب آسیا بر گسترش صادرات به این منطقه است؛ راهبردی که اگرچه طیفی متنوع از کالاهای مصرفی و صنعتی را دربرمی‌گیرد، اما در دهه‌های اخیر به طور فزاینده‌ای بر حوزه انرژی و فناوری‌های پیشرفته متمرکز شده است (Park, 2018). در این چارچوب، کره جنوبی تلاش کرده است با اتکا بر ظرفیت‌های فناورانه خود، به بازیگری مؤثر در زنجیره ارزش جهانی انرژی، به ویژه در حوزه انرژی هسته‌ای، تبدیل شود.

نخستین گام در این مسیر در دسامبر ۲۰۰۹ برداشته شد؛ که فناوری هسته‌ای کره جنوبی برای نخستین بار به اردن و امارات صادر شد. در پروژه اردن، مؤسسه تحقیقات انرژی اتمی کره و شرکت دوو، امتیاز ساخت نخستین رآکتور تحقیقاتی این کشور را به دست آوردند (Jeong, 2020).

صادرات فناوری هسته‌ای مستلزم ایجاد چارچوب‌های حقوقی مشخص، پایبندی به استانداردهای ایمنی بین‌المللی، سازوکارهای نظارتی مستمر و تعامل نهادی پایدار میان

نهادهای دولتی، شرکت‌های فنی و سازمان‌های بین‌المللی است. از این منظر، همکاری‌های فناورانه کره جنوبی با کشورهای غرب آسیا نمونه‌ای از گذار به همکاری‌های فنی نهادمند محسوب می‌شود؛ همکاری‌هایی که با منطق نولیبرالیسم نهادی در خصوص نقش قواعد مشترک، نهادها و رژیم‌های تخصصی در تداوم و تعمیق همکاری‌های بین‌المللی همخوانی دارد (Yoo, 2017; 130).

در نتیجه، صادرات فناوری انرژی کره جنوبی به غرب آسیا را می‌توان بخشی از راهبرد کلان این کشور برای نهادینه‌سازی همکاری‌های اقتصادی-فناورانه دانست؛ راهبردی که سطح تعاملات را از تجارت صرف به همکاری‌های مبتنی بر اعتماد نهادی، انتقال دانش و تعهدات بلندمدت ارتقا می‌دهد (Abdelghafar, 2023).

۳-۱-۵- شرکت‌های کره‌ای و شبکه‌های چندسطحی همکاری اقتصادی

حضور گسترده شرکت‌های بزرگ کره‌ای در پروژه‌های غرب آسیا را می‌توان یکی از شاخص‌ترین جلوه‌های شکل‌گیری شبکه‌های چندسطحی همکاری اقتصادی با کشورهای منطقه دانست. در چارچوب نولیبرالیسم نهادی، چنین شبکه‌هایی از طریق درگیر کردن همزمان دولت‌ها، شرکت‌های خصوصی و نهادهای مالی و فنی، منافع همکاری را میان بازیگران متعدد توزیع کرده و در نتیجه، هزینه خروج از همکاری و بازگشت به الگوهای مقطعی تعامل را به طور قابل توجهی افزایش می‌دهند (Jeong, 2022; 21).

در این راستا، شرکت‌های کره‌ای، به ویژه چپول‌هایی چون هیوندای، سامسونگ و اس‌کی، نقش محوری در اجرای پروژه‌های بزرگ منطقه‌ای ایفا کرده‌اند. مزیت رقابتی این شرکت‌ها عمدتاً بر ترکیبی از توان فنی، مقرون به صرفه بودن، انعطاف‌پذیری اجرایی و تحویل به موقع پروژه‌ها استوار بوده است. برای نمونه، شرکت هیوندای قراردادی برای احداث مسیر شیخ جابر الاحمد الصباح در کویت امضا کرد؛ پروژه‌ای که به عنوان یکی از طولانی‌ترین پل‌های جهان، نقش مهمی در اتصال زیرساخت‌های حمل و نقل منطقه‌ای ایفا می‌کند. همچنین در بحرین، پروژه‌های تصفیه‌خانه فاضلاب و احداث راکتورهای پیشرفته نمک‌زدایی آب دریا به رهبری شرکت سامسونگ، نمونه‌هایی از تعمیق همکاری‌های فنی و زیرساختی کره در منطقه به شمار می‌روند (Jeong, 2020).

حمایت دیپلماتیک دولت، تأمین مالی پروژه‌ها و ایجاد چارچوب‌های حقوقی مناسب، در کنار ظرفیت اجرایی بخش خصوصی، شبکه‌ای نهادمند از همکاری اقتصادی را شکل داده است

که استمرار و پایداری روابط را تقویت می‌کند. در نتیجه، حضور شرکت‌های کره‌ای در غرب آسیا به یکی از سازوکارهای کلیدی نهادینه‌سازی همکاری‌های اقتصادی و تثبیت وابستگی میان کره و کشورهای منطقه تبدیل شده است؛ سازوکاری که با منطق نولیبرالیسم نهادی در تبیین نقش شبکه‌های چندسطحی در همکاری‌های بین‌المللی همخوانی دارد.

۴-۱-۵- الگوهای نهادمند همکاری اقتصادی و فناورانه

در چارچوب نولیبرالیسم نهادی، اهمیت این الگوها نه صرفاً در تنوع شرکای منطقه‌ای، بلکه در نوع سازوکارهای همکاری، سطح نهادسازی و میزان تعهدات متقابل نهفته است. نخستین الگوی غالب، همکاری‌های انرژی محور نهادمند است که در روابط کره با صادرکنندگان اصلی انرژی منطقه از جمله عربستان، قطر و امارات قابل مشاهده است. در این چارچوب، امنیت انرژی کره جنوبی از طریق قراردادهای بلندمدت، سرمایه‌گذاری‌های مشترک و مشارکت در پروژه‌های متفاوت تضمین شده است. برای نمونه، عربستان، نقشی کلیدی در سیاست تنوع بخشی مسیرهای تأمین انرژی ایفا می‌کند و همزمان بستری برای توسعه همکاری‌های صنعتی و عمرانی فراهم ساخته است (Jeong, 2022; 76_94). قطر نیز با امضای قراردادهای بلندمدت صادرات گاز طبیعی مایع، به یکی از ستون‌های اصلی امنیت انرژی کره جنوبی تبدیل شده است (Abdelghafar, 2023).

دومین الگو، همکاری‌های صنعتی و زیرساختی مبتنی بر شبکه‌های چندسطحی است که از طریق مشارکت فعال شرکت‌های کره‌ای در بخش عمران، پالایشگاهی و نیروگاهی منطقه شکل گرفته است. حضور شرکت‌هایی چون هیوندای و سامسونگ در پروژه‌های بزرگ عربستان و امارات، نمونه‌ای از همپوشانی منافع دولت کره، بخش خصوصی و دولت‌های میزبان است. این الگو، با توزیع منافع اقتصادی میان بازیگران و ایجاد وابستگی متقابل نهادی، هزینه خروج از همکاری را افزایش داده و به تداوم روابط بلندمدت کمک کرده است (Jeong, 2022; 95_96).

سومین الگو، همکاری‌های فناورانه و انرژی‌های نو است که به ویژه در روابط با قطر، امارات و ترکیه نمود یافته است. توسعه پروژه‌های انرژی خورشیدی، هیدروژن، فناوری‌های نمک‌زدایی آب و صادرات تجهیزات پیشرفته، نشان‌دهنده گذار از تجارت کالا به همکاری‌های فناورانه نهادمند است. امضای قرارداد ساخت بزرگترین نیروگاه خورشیدی قطر توسط شرکت سامسونگ در سال ۲۰۲۲ را می‌توان نمونه‌ای از این الگو دانست (Abdelghafar, 2023).

در مقابل، تجربه همکاری کره با ایران نشان می‌دهد که پایداری این الگوهای نهادمند به محیط نهادی بین‌المللی نیز وابسته است. تشدید تحریم‌های ایالات متحده، موجب تضعیف همکاری‌های اقتصادی و انرژی محور تهران و سئول شد (Jeong,2022;39)(Jeong,2020). در مجموع، الگوهای همکاری اقتصادی و فناورانه کره در غرب آسیا بیانگر تلاش این کشور برای نهادینه‌سازی روابط اقتصادی از طریق ترکیب امنیت انرژی، مشارکت صنعتی و همکاری‌های فناورانه است؛ الگویی که با مفروضات نولیبرالیسم نهادی درباره نقش نهادها، قواعد مشترک و شبکه‌های چندسطحی در تداوم همکاری‌های بین‌المللی همخوانی دارد.

۵-۲- بُعد امنیتی-نظامی: نهادسازی امنیتی و هم‌پوشانی منافع اقتصادی و دفاعی

از دهه ۲۰۰۰ به بعد شاهد گسترش تدریجی همکاری‌های امنیتی و نظامی در قالب مأموریت‌های چندجانبه، صادرات تسلیحات و توافق‌های دفاعی هستیم. این تحول را می‌توان در چارچوب نولیبرالیسم نهادی و با تمرکز بر نهادینه‌سازی همکاری امنیتی تحلیل کرد، نه صرفاً گسترش قدرت نظامی.

۵-۲-۱- مشارکت نظامی و محدودیت‌های چندجانبه

اولین مداخله نظامی کره در غرب آسیا در جنگ اول خلیج فارس رخ داد. کره جنوبی در این مرحله ۳۴۱ سرباز در قالب نیروهای پشتیبانی لجستیکی بدون مشارکت مستقیم، اعزام کرد (Levkowitz,2013;10_11).

در سال ۲۰۰۳، کره جنوبی بار دیگر، نیروهای خود را در اربیل عراق مستقر کرد؛ نیرویی که متشکل از پزشک و مهندس نظامی بود و تحت عنوان «نیروی جمهوری کره در عراق» به فعالیت پرداخت (Park,2018). اعزام نیرو به عراق به‌عنوان ابزاری برای تقویت جایگاه کره در قامت یک «قدرت میانی» در عرصه جهانی تلقی می‌شد. در همین راستا، تصمیم کره جنوبی در سال ۲۰۰۶ برای اعزام ۳۵۶ سرباز به جنوب لبنان در قالب نیروی سازمان ملل، پس از جنگ اسرائیل و لبنان، نشانه‌ای دیگر از تغییر تدریجی رویکرد منطقه‌ای این کشور بود (Levkowitz,2013;11_12).

همچنین این کشور به‌طور فعال در عملیات‌های ضد دزدی دریایی در خلیج عدن و دریای عرب مشارکت کرده و با استقرار نیروهای دریایی، به حفاظت از خطوط کشتیرانی تجاری و محموله‌های نفتی خود پرداخته است؛ اقداماتی که مستقیماً با امنیت انرژی و حفاظت از منافع

ملی کره جنوبی پیوند دارد (Kim, 2015; 92). اما به طور کلی سئول کوشیده است از ورود به مداخلات نظامی گسترده و پرهزینه در منطقه پرهیز کند.

در چارچوب نولیبرالیسم نهادی، الگوی رفتاری کره جنوبی در غرب آسیا را می‌توان مصداقی روشن از ترجیح دولت‌ها به استفاده از نهادهای بین‌المللی و ترتیبات چندجانبه برای کاهش هزینه‌های سیاسی، امنیتی و مشروعیتی دانست. اعزام نیروهای کره به مأموریت‌های حافظ صلح سازمان ملل و مشارکت در عملیات‌های امنیت دریایی، نشان‌دهنده گرایش سئول به کنش امنیتی در چارچوب‌های نهادی مشروع است؛ چارچوب‌هایی که امکان توزیع مسئولیت، کاهش ریسک درگیری مستقیم و افزایش مقبولیت بین‌المللی را فراهم می‌کنند. این الگو با پیش‌بینی‌های نولیبرالیسم نهادی همخوانی دارد؛ نظریه‌ای که بر نقش نهادهای بین‌المللی در مدیریت همکاری، کاهش عدم قطعیت و مهار هزینه‌های تعاملات امنیتی تأکید می‌کند و رفتار کره جنوبی در غرب آسیا را می‌توان در همین منطق تحلیلی تبیین کرد (Levkowitz, 2016; 232_233).

۵-۲-۲- صادرات تسلیحات نظامی و نهادینه‌سازی همکاری‌های دفاعی

کره جنوبی دارای ششمین ارتش قدرتمند جهان، به تدریج به بازیگری در حال رشد در مدیریت امنیت بین‌المللی تبدیل شده است؛ روندی که از طریق مشارکت در عملیات‌های حافظ صلح سازمان ملل، حضور در مأموریت‌های چندجانبه و گسترش صادرات تسلیحات نظامی دنبال شده است (Jeong, 2020). در این چارچوب، سئول تلاش کرده است پیوندی ساختاری میان اهداف اقتصادی و ملاحظات امنیتی برقرار کند و از ظرفیت‌های صنایع دفاعی خود به‌عنوان ابزار دیپلماسی امنیتی بهره‌گیرد.

در سال ۲۰۱۳ یکی از نخستین موفقیت‌های کره در این مسیر با فروش تسلیحات نظامی به عراق، شکل گرفت. از آن زمان، صادرات تسلیحاتی این کشور به‌طور تدریجی گسترش یافته و قراردادهای قابل توجهی با کشورهایی چون مصر، امارات و عربستان منعقد شد (Vidal Ribe, 2023). در سال ۲۰۱۸، امضای یک توافق نظامی میان کره و امارات، که به استقرار منظم نیروهای کره‌ای در این کشور انجامید، نقش مؤثری در نهایی شدن مناقصه نیروگاه هسته‌ای براکه ایفا کرد و پیوند میان همکاری‌های امنیتی و پروژه‌های راهبردی اقتصادی را برجسته ساخت (Park, 2018). فروش تجهیزات نظامی، به کشورهای منطقه، نشان‌دهنده هم‌پوشانی اهداف اقتصادی و امنیتی در سیاست خارجی کره جنوبی است و غرب آسیا در کنار آسیای جنوب شرقی و آمریکای لاتین به یکی از بازارهای کلیدی فروش تسلیحات نظامی تبدیل شده است (Lee, 2020; 65).

در نتیجه این روند، کره جنوبی به یکی از شرکای دفاعی ترجیحی تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که خرید تسلیحات عمده و انتقال فناوری، پایه‌های روابط جدید دفاعی را شکل داده‌اند، به علاوه در سال‌های اخیر، با افزایش کیفیت و تنوع پیشنهادهای شرکت‌های کره‌ای، این روند شتاب بیشتری گرفته است (Vidal Ribe, 2023). از زمان آغاز دولت یون سوک یول در ۲۰۲۲، به دنبال گسترش سبب محصولات نظامی خود، در پی تبدیل شدن به یکی از صادرکنندگان پیشرو تسلیحات در سطح جهانی بوده است (Kim, 2024).

در سطح مصداقی، در فوریه ۲۰۲۲ قراردادی برای فروش تجهیزات نظامی به مصر امضا شد و چندین توافق نیز در زمینه همکاری‌های صنایع دفاعی، پشتیبانی لجستیکی و توسعه مشترک تحقیقاتی به امضا رسید. در همان سال، قراردادهایی با امارات برای صادرات سامانه دفاع موشکی نهایی شد و هم‌زمان قراردادهایی به ارزش ۹۸۹ میلیون دلار با عربستان، منعقد گردید (Vidal Ribe, 2023).

تحرکات دیپلماتیک سطح بالا نیز بازتاب‌دهنده نهادینه شدن این همکاری‌هاست. سفر رییس جمهور و وزیر دفاع کره به منطقه در اکتبر ۲۰۲۳ و توافق برای گسترش همکاری‌های صنایع دفاعی و افزایش تبادل پرسنل در ریاض و دوحه، نشان‌دهنده افزایش بی‌سابقه صادرات دفاعی سئول بود (Kim, 2024).

در مجموع، رشد صادرات دفاعی کره به کشورهای منطقه را می‌توان بخشی از راهبرد هم‌پوشانی منافع اقتصادی و امنیتی این کشور دانست. قراردادهای بلندمدت تسلیحاتی، آموزش‌های مشترک و توسعه صنایع دفاعی، روابط امنیتی را به سطح همکاری‌های نهادمند ارتقا داده‌اند. این الگو با مفروضات نولیبرالیسم نهادی همخوانی دارد؛ نظریه‌ای که بر جستجوی منافع مطلق از طریق همکاری، کاهش عدم قطعیت و تثبیت تعاملات در قالب ترتیبات نهادی تأکید می‌کند.

۵-۳- بُعد فرهنگی: دیپلماسی نرم و کاهش هزینه‌های همکاری

دیپلماسی فرهنگی به عنوان یکی از ابزارهای پرکاربرد دولت‌ها برای تحقق منافع ملی و پیشبرد اهداف سیاست خارجی شناخته می‌شود و کره جنوبی از جمله کشورهایی است که به صورت نظام‌مند از این ابزار بهره گرفته است. این کشور با ترکیب عناصر فرهنگ سنتی خود با مؤلفه‌های مدرن، توانسته است الگوی متمایزی از ترویج فرهنگی در سطح بین‌المللی ایجاد

کند. فرهنگ کره‌ای از طریق ابزارهایی همچون موسیقی، نمایش‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی، آشپزی، معرفی مقاصد گردشگری و آموزش زبان، به کشورهای مختلف صادر شده و تحت عنوان «موج کره‌ای» توجه افکار عمومی جهانی را به خود جلب کرده است. دولت کره بخش قابل توجهی از تبلیغات فرهنگی را از طریق هنرمندان و چهره‌های مشهور در خارج از کشور دنبال می‌کند؛ رویکردی که رشد اقتصادی را به همراه داشته و به‌عنوان ابزاری مؤثر برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی عمل کرده است. از این منظر، کره جنوبی فرهنگ خود را به‌مثابه منبع قدرت نرم به کار گرفته و آن را وسیله‌ای برای دستیابی به منافع ملی تلقی می‌کند (Budiarti, 2022; 2_3).

هدف از دیپلماسی فرهنگی جلب حمایت مخاطبان بین‌المللی، افزایش درک و اعتماد افکار عمومی جهانی و رهبران افکار، نسبت به سیاست خارجی کره جنوبی است. این رویکرد به‌طور خاص با هدف ایجاد محیطی مساعد برای تحقق اهداف کلیدی دیپلماتیک، طراحی شده است. دیپلماسی فرهنگی کره جنوبی پنج هدف اصلی را دنبال می‌کند: (۱) اشتراک‌گذاری فرهنگ کره، (۲) تعمیق فهم جامعه جهانی از فرهنگ کره، (۳) جلب حمایت بین‌المللی از فرهنگ کره، (۴) تقویت ظرفیت‌های دیپلماسی فرهنگی و (۵) ترویج مشارکت میان بخش‌های عمومی و خصوصی (Ernst, 2021; 2).

در غرب آسیا، دیپلماسی فرهنگی کره جنوبی را می‌توان مکمل نهادی همکاری‌های اقتصادی و امنیتی این کشور با دولت‌های منطقه دانست. در چارچوب نولیبرالیسم نهادی، قدرت نرم نقشی اساسی در کاهش مقاومت‌های اجتماعی، افزایش مشروعیت همکاری‌های بین‌دولتی و تقویت اعتماد متقابل میان جوامع ایفا می‌کنند. از این منظر، ترویج فرهنگ کره‌ای در کنار حضور اقتصادی و همکاری‌های امنیتی، به نهادینه‌سازی روابط و پایداری تعاملات کمک کرده و بستر اجتماعی و هنجاری لازم برای تعمیق مشارکت‌های بلندمدت میان کره جنوبی و کشورهای غرب آسیا را فراهم می‌سازد (Ernst, 2021; 2_3).

۵-۳-۱- موج کره‌ای و نهادینه‌سازی تعاملات فرهنگی

گسترش «موج کره‌ای» از طریق موسیقی، سینما، سریال‌های تلویزیونی و در قالب نهاد‌های رسمی و نیمه‌رسمی همچون «مؤسسه کینگ سجونگ»^۱، نشان‌دهنده تلاش آگاهانه کره

^۱. King Sejong Institute

جنوبی برای نهادینه‌سازی دیپلماسی فرهنگی است. این نهادها با ایجاد تعامل مستمر فرهنگی و آموزشی، به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، تقویت اعتماد متقابل و کاهش فاصله‌های ادراکی میان جوامع کمک کرده و در نتیجه، محیطی مساعد برای تعمیق روابط چندبعدی کره جنوبی با سایر کشورها، از جمله در غرب آسیا، فراهم می‌کنند.

در میان عناصر مؤثر در ترویج فرهنگ کره‌ای، موسیقی پاپ کره‌ای جایگاهی محوری دارد. کی‌پاپ^۱ در مدت‌زمانی کوتاه به یک پدیده جهانی تبدیل شد و افزایش فروش آلبوم‌ها و محصولات فرهنگی مربوطه، آن را به ابزاری کم‌هزینه و مؤثر برای اعمال قدرت نرم بدل کرده است. در عصر حاضر، که موسیقی نقشی پررنگ در هویت‌یابی نسل جوان دارد، کره جنوبی با اتکا به شرکت‌های بزرگ و حرفه‌ای مدیریت و تولید موسیقی، این ظرفیت را به‌صورت هدفمند سازمان‌دهی کرده است. گروه‌هایی چون اکسو و بی‌تی‌اس از جمله نمونه‌های شاخص این راهبرد هستند که در مناطق مختلف، از جمله غرب آسیا، از محبوبیت گسترده‌ای برخوردارند، به عنوان مثال گروه بی‌تی‌اس در سال ۲۰۱۹ به‌عنوان نخستین گروه کی‌پاپ، کنسرتی رسمی در عربستان برگزار کرد که نمادی از نفوذ فرهنگی کره جنوبی در منطقه به‌شمار می‌رود (Shifa, 2021; 3_4).

در حوزه فیلم و سریال‌های تلویزیونی نیز نفوذ فرهنگی کره جنوبی در غرب آسیا چشمگیر بوده است. به عنوان مثال در حوزه فیلم و سینمایی در امارات «جشنواره فیلم کره‌ای» به‌عنوان رویدادی سالانه، آثار سینمایی کره را در ابوظبی به نمایش می‌گذارد. مجموعه‌های تلویزیونی کره‌ای نیز نظیر جومونگ، جواهری در قصر و زمستان سوناتا در رتبه‌بندی برنامه‌های تلویزیونی کشورهای منطقه جایگاه بالایی داشته و بیش از ۹۰ درصد مخاطب جذب کرده است (Jeong, 2020). برای نمونه، در ایران سریال جومونگ با استقبال گسترده‌ای مواجه شد؛ به‌گونه‌ای که بازیگر نقش اصلی آن، سونگ ایل‌گوک، در سال ۲۰۰۹ به تهران سفر کرد و در نشست خبری حضور یافت (ادیب‌سرشکی، ۱۳۹۱: ۱۱).

در ادامه این روند و با توجه به استقبال روزافزون جوامع مختلف از فرهنگ و زبان کره‌ای، دولت کره نهادی رسمی را برای گسترش آموزش زبان کره‌ای تأسیس کرد. «مؤسسه کینگ سجونگ» به‌عنوان بازوی نهادی دیپلماسی زبانی و فرهنگی کره جنوبی، در مناطق مختلف جهان از جمله در منطقه غرب آسیا فعالیت دارد و نقش مهمی در نهادینه‌سازی تعاملات

^۱. KPOP

فرهنگی ایفا می‌کند (Shifa, 2021; 4). این سازوکار نهادی، در کنار سایر ابزارهای موج کره‌ای، به تثبیت حضور فرهنگی کره جنوبی و پشتیبانی اجتماعی از همکاری‌های اقتصادی و سیاسی این کشور در منطقه کمک می‌کند.

در مجموع، تحلیل ابعاد اقتصادی، امنیتی-نظامی و فرهنگی سیاست خارجی کره جنوبی در غرب آسیا نشان می‌دهد که این کشور از الگویی مبتنی بر تعاملات اقتصادی محدود، به سمت الگویی نهادمند، چندسطحی و چندبعدی حرکت کرده است. این تحول دقیقاً در چارچوب پیش‌بینی‌های نولیبیرالیسم نهادی و بر اساس افزایش وابستگی متقابل، گسترش نهادها، تقویت قواعد همکاری و نقش‌آفرینی شبکه‌های چندسطحی قابل تبیین است.

نتیجه‌گیری

تحلیل سیاست خارجی کره جنوبی در قبال غرب آسیا در چارچوب نولیبیرالیسم نهادی نشان می‌دهد که الگوی رفتار خارجی سئول در این منطقه بر مجموعه‌ای از سازوکارهای همکاری‌محور، وابستگی متقابل و نهادینه‌سازی روابط اقتصادی و فناورانه استوار است. غرب آسیا به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک راهبردی و سهم قابل توجه از منابع انرژی جهان، از دهه‌های گذشته به یکی از اصلی‌ترین محورهای تأمین امنیت انرژی کره جنوبی تبدیل شده و بستر شکل‌گیری روابط پایدار میان سئول و کشورهای منطقه را فراهم ساخته است. مبتنی بر این ضرورت ساختاری، کره جنوبی به تدریج تعاملات خود را در حوزه‌هایی همچون تجارت، ساخت‌وساز، فناوری‌های پیشرفته، همکاری هسته‌ای، صادرات تسلیحات، پروژه‌های زیرساختی، حمل‌ونقل، و دیپلماسی فرهنگی گسترش داده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که این تحول نتیجه برهم‌کنش مجموعه‌ای از ترتیبات نهادی و همکاری‌های قراردادی است که شرایط کاهش عدم قطعیت، افزایش قابلیت پیش‌بینی و تثبیت منافع متقابل را فراهم کرده‌اند. نهادها و رژیم‌های همکاری در حوزه‌های انرژی، تجارت، زیرساخت، تحقیق و توسعه، امنیت دریایی و تبادلات فرهنگی نقشی محوری در تسهیل این روند بر عهده داشته‌اند. شرکت‌های بزرگ کره‌ای مانند سامسونگ، هیوندای، ال‌جی، هانپو و دوو نیز به‌عنوان بازیگران مؤثر، با حضور در پروژه‌های ساخت‌وساز، انرژی، پتروشیمی، حمل‌ونقل و فناوری، شبکه‌ای از همکاری چندسطحی میان دولت، بخش خصوصی و نهادهای منطقه‌ای

ایجاد کرده‌اند. این شبکه همکاری ساختار روابط سنول با غرب آسیا را از الگویی مقطعی و معاملاتی به الگویی پایدار و مبتنی بر قواعد تبدیل کرده است.

هم‌زمان، همکاری‌های نظامی و صادرات تسلیحات در قالب قراردادهای طولانی‌مدت، آموزش‌های مشترک و فروش سامانه‌های دفاعی، در افزایش سطح اعتماد و نهادینه‌شدن همکاری‌ها در حوزه امنیتی مؤثر بوده است. تقویت دیپلماسی فرهنگی از طریق موج کره‌ای، آموزش زبان، تبادل دانشجو و تولیدات رسانه‌ای نیز ابعاد اجتماعی و فرهنگی این روابط را تعمیق کرده و مکمل روابط اقتصادی و امنیتی شده است. این مجموعه تحولات نشان می‌دهد که سیاست خارجی کره جنوبی در قبال غرب آسیا از الگویی محدود به انرژی، به الگویی چندبعدی و نهادمحور تغییر یافته است.

در کنار این تحولات، چالش‌هایی همچون بی‌ثباتی سیاسی، تنش‌های منطقه‌ای، رقابت قدرت‌های بزرگ، نوسانات بازار انرژی و بحران‌های امنیتی، ضرورت مدیریت ریسک و طراحی سازوکارهای انعطاف‌پذیر همکاری را برجسته کرده‌اند. در چنین شرایطی، موفقیت کره جنوبی وابسته به توانایی آن در تقویت ترتیبات نهادی، تنوع بخشی به منابع انرژی، توسعه همکاری در انرژی‌های تجدیدپذیر، ارتقای فناوری‌های مشترک و تحکیم چارچوب‌های حقوقی همکاری خواهد بود.

بر مبنای اصول نولیبرالیسم نهادی، تداوم نقش آفرینی کره جنوبی در غرب آسیا نه بر پایه قدرت سخت یا موازنه جویی سنتی، بلکه بر اساس تعمیق قواعد همکاری، افزایش شفافیت، کاهش هزینه‌های مبادله، ایجاد وابستگی متقابل پایدار و نهادینه‌سازی روابط چندبعدی امکان‌پذیر است. چشم‌انداز آینده نشان می‌دهد که موفقیت بلندمدت سنول در این منطقه به توان طراحی سازوکارهای پایدار همکاری، تقویت شبکه‌های بین‌المللی و بهره‌گیری از ظرفیت نهادها برای تثبیت منافع مشترک وابسته خواهد بود. این الگو با منطق نولیبرالیسم نهادی همخوان است و نشان می‌دهد که سیاست خارجی کره جنوبی بر محور همکاری و نهادسازی در مسیر الگویی پایدار، چندبعدی و ساختاریافته در غرب آسیا حرکت کرده است.

منابع و مأخذ

فارسی:

ادیب‌سرشکی، میلاد، "قدرت نرم کره جنوبی و گسترش موج کره‌ای"، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۱، ۱۸_۱.

انگلیسی:

- Abdel Ghafar, Adel, "South Korea and GCC States: A Growing Partnership", https://mecouncil.org/publication/south-korea-and-gcc-states-a-growing-partnership, 26 August 2023.
- Budiarti, Indah, "South Korea Soft Power Through Korea Wave (Soft Power Korea Selatan Melalui Korea Wave)", University Muhammadiyah Yogyakarta, October 2022.
- Cho, Young Chul, "South Korea's Energy Diplomacy in the Middle East", *Korea Observer* 2019, 50(1), 42-58.
- Ernst, Maximilian, "Limits of Public Diplomacy and Soft Power: Lessons from the THAAD Dispute for South Korea", *Foreign Policy*, April 2021.
- Falahatdoost, Soniya, Wang, Xingping, "A Comparative Study of Industrial Development Policies in Iran and South Korea: Catalyst for Development", Institute for International and Area Studies, Tsinghua University, 2024.
- Jeong, Hae Won, "South Korea Middle Power Diplomacy in the Middle East", Routledge, 2022.
- Jeong, Hae Won, "South Korea's Evolving Ties with the Middle East", https://asiasociety.org/asias-new-pivot/south-korea, 28 July 2020.
- Kang, Hyeon Jeong, "The Role of Energy Security in South Korea's Middle East Policy", *Journal of International Relations*, 2018, 26(2), 12-25.
- Katada, Satoshi, Lim, Jong Hun, Wan, Ming, "Reshoring from China: Comparing the Economic Statecraft of Japan and South Korea", Routledge, 2023.
- Keohane, Robert & Nye, Joseph, 1977 *Power and Interdependence*, Boston: Little Brown and Company.
- Keohane, Robert, 1984 *After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy*, Princeton: Princeton University Press.
- Kim, Flix, "South Korea Strengthens Defense Ties in Middle East", https://ipdefenseforum.com/2024/03/south-korea-strengthens-defense-ties-in-middle-east, 24 March 2024.
- Kim, Sung Min, "Military Cooperation Between South Korea and the UAE", *Asian Security*, 2015, 11(1), 85-100.
- Kim, Taeho, "South Korea's Security Strategy in the Middle East", *Journal of Asian Studies*, 2016, 75(3), 105-115.
- Langel, Tunchinmang, "The Republic of Korea's Foreign Policy Approach", *Indian Council of World Affairs*, 2023.
- Lee, Jae Hung, "Balancing Act: South Korea's Middle East Policy Amidst US-China Rivalry", *East Asian Policy*, 2019, 11(4), 98-112.
- Lee, Woo Young, "South Korea's Defense Exports to the Middle East", *Defense Studies Journal*, 2020, 34(1), 6-75.
- Levkowitz, Alon, "The Republic of Korea and the Middle East: Economics, Diplomacy, and Security", *Korea Europe Review*, 2010, 1, 1-9.
- Levkowitz, Alon, "Korea and Middle East Turmoil: A Reassessment of South Korea-Middle East Relations", *The Korean Journal of Defense Analysis*, 2012, 24(2), 225-238.
- Levkowitz, Alon, "South Korea's Middle East Policy", Bar-Ilan University, 2013.

- Park, June, “*Reinventing the Middle East? South Korea’s Engagements with the Gulf Amid Geopolitical Conflicts*”, <https://www.ias.asia/the-newsletter/article/reinventing-middle-east-south-koreas-engagements-gulf>, 2018.
- Shifa, Lffa Najma, “*Soft Power Diplomacy Practices of South Korea*”, University Muhammadiyah Yogyakarta, May 2021.
- Stein, Arthur A., “*Neoliberal Institutionalism*”, *The Oxford Handbook of International Relations*, 2009, 11, 201–221.
- Vidal Ribe, Albert, “*South Korea Bets Big on Middle East Defence Exports*”, <https://www.iiss.org/en/online-analysis/military-balance/2023/11/south-korea-bets-big-on-middle-east-defence-exports>, 17 November 2023.
- Yoo, H. J., “*Domestic Hurdles for System-Driven Behavior: Neoclassical Realism and Missile Defense Policies in Japan and South Korea*”, *International Relations of the Asia-Pacific*, 2012, 12(2), 317_348.